

بررسی آرا و نظرات حضرت امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در خصوص رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه

دکتر مهدی سبحانی نژاد^۱

علیرضا یوزباشی^۲

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه از منظر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی پرداخته شده است. روش انجام پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوی بوده؛ به علاوه برای گردآوری داده‌های لازم، برای پاسخ‌دهی به سؤال‌های پژوهش، تمامی مکتوبات، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، فرامین، توصیه‌ها و آثار حضرت امام خمینی (ره) با استفاده از فرم فهرست واری محقق ساخته دومرحله‌ای باز و بدون پیش‌سازمان‌یافتگی، تحلیل و یافته‌ها به شیوه کیفی تحلیل شده است.

عمده‌ترین یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از:

در مجموع عبارات ذکر شده توسط حضرت امام خمینی (ره) در خصوص دانشگاه، هفتادونه مرتبه آن‌ها در خصوص اقسام و اشکال متعدد رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه بوده که پس از طبقه‌بندی بر اساس فصول مشترک، نهایتاً بیست و شش مؤلفه رسالت تربیت دینی - اجتماعی، شامل زمینه‌هایی چون: تلاش دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی مؤثر در استقلال، وحدت، انسجام و توسعه کشور، تقدم‌بخشی به رشد تزکیه و تهذیب بر تعلیم و آموزش، تلاش عملی برای رشد احساس تعهد دانشجویان نسبت به ارزش‌های دینی و انقلابی، تلاش دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی خلاق، خودرهب، خودمدیر و خودفراگیر، تلاش دانشگاه در اشاعه و تحکیم فرهنگ احترام به دانایان و... استخراج شده است.

واژگان کلیدی: حضرت امام خمینی، رسالت دانشگاه، تربیت دینی - اجتماعی، تحلیل محتوی.

۱- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران

۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران

مقدمه

تربیت را دارای دو ریشه دانسته‌اند. برخی واژه تربیت را از ریشه «ربو» گرفته که از باب تفعیل و به معنای زیادت است. برخی نیز آن را از ریشه «ر ب ب» گرفته‌اند. رب ب که در صورت مضاعف، رب می‌شود، دو عنصر معنایی، مالکیت و تدبیر را در خود دارد. در المفردات رب در معنای مصدری، معادل تربیت گرفته شده که به معنی گرداندن و پروراندن پی‌درپی چیزی تا به حد نهایت است. واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنی پروراندن و تأدیب و در اصطلاح به معنی شکوفا نمودن استعدادهای آدمی با ایجاد زمینه مناسب و در جهتی مطلوب است (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۲) بنابراین، تربیت را فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و تدارک زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا ساختن استعدادهای انسانی در جهت مطلوب، تعریف نموده‌اند (حجتی، ۱۳۶۸، ص ۸).

توصیفات دیگری چون: رسیدن به رشد، هدایت به حق و کمال، رسیدن به حد بلوغ و تشخیص، تزکیه نفس، اخلاق و ادب و یا استخراج استعدادهای انسانی و از قوه به فعل درآوردن آن‌ها (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۹) و یا تزکیه نفس که همان آراستن نفس به نیکی‌ها و پیراستن آن از بدی‌ها و آلودگی‌ها است نیز در تعریف تربیت آورده شده است.

هدف غایی در تربیت اسلامی، عبودیت بوده و غرض آن است که آدمی عبد خدا شود. عبد شدن ناظر به فرایندی پیچیده در جهت خروج از سلطه عواملی است که تهدید تصاحب انسان را دارند. تربیت اسلامی مجموعه‌ای از اصول و روش‌های مورد نظر اسلام است که در جهت فطرت انسان و برای تعالی و کمال او در مسیر الهی می‌باشد و به شناخت او از خویش و جهان می‌انجامد.

تربیت دینی آن جنبه از تربیت است که انسان را با وظایف و شرایع دینی آشنا نموده و مبانی اعتقادی وی را مستحکم می‌نماید. او را عامل به فروع بار آورده و فطرت الهی و انسانی را بارور می‌سازد. تربیت دینی مرحله‌ای از رشد را شامل می‌شود و برنامه‌هایی را در جهت تسهیل رشد دینی تعبیه می‌کند. از این رو تربیت دینی ناظر به عمل کردن تربیت است (احمدی، ۱۳۷۲، ص ۲۷).

علامه طباطبایی (۱۳۶۴) دین را مجموعه‌ای از معارف مربوط به حقیقت انسان، جهان و مقدرات متناسب با آن که در زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد، تعریف نموده‌اند. مایکل پترسون^۱ دین را متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) می‌داند که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است (مایکل پترسون و دیگران، به نقل از ترجمه نراقی، ۱۳۷۷).

تربیت دینی، فعال‌سازی، سالم‌سازی، خلوص و رشد کارکردهای قلب در جهت قرب به پروردگار عالم است. اگر تربیت دینی با چنین تعریفی تحقق پذیرد، هدایت سایر سطوح شخصیت به سادگی امکان‌پذیر خواهد بود. در غیر این صورت تربیت دینی کاری بس دشوار و تلخ جلوه خواهد کرد (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۳۲).

^۱ - maykel pterson

تربیت اجتماعی، تأمین تمهیدات لازم برای متجلی ساختن ارزش‌ها و ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد به منظور مؤثر بودن او در برخوردهای اجتماعی، اعم از هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیرمنطقی، توافق، سازگاری و اموری نظیر آن‌ها است (ایمانی، ۱۳۶۸، ص ۳۴).

اسلام دینی است که اساس آیین خود را به طور صریح بر پایه اجتماع قرار داده و در هیچ شأنی از شئون خود نسبت به اجتماع بی‌اعتنا نبوده است. اسلام دینی است که بُعد اجتماعی آن نسبت به بُعد فردی بسیار گسترده‌تر و هدایت‌های این جنبه از زندگی جامعه انسانی در آن از وسعت بیشتری برخوردار است (قطب، ترجمه جعفری، ۱۳۶۲، ص ۸۹).

دورکیم تربیت را امری اجتماعی و وسیله‌ای برای اجتماعی کردن فرد دانسته و معتقد است که تعلیم و تربیت عملی است که نسل‌های بالغ بر نسل‌هایی که هنوز برای زندگانی اجتماعی به حد بلوغ و کمال نرسیده‌اند، اعمال می‌کنند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۶۹).

تربیت اجتماعی در اسلام از چنان جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که حتی بر بسیاری از فعالیت‌های عبادی نیز تأثیر گذاشته و اعمال عبادی که به صورت جمعی انجام می‌گیرند بر اعمال انفرادی ارجحیت آشکار یافته است. قرآن مجید که کتاب زندگی و هدایت انسان است به صور گوناگون به موضوع فوق اشاره داشته و مجموع آیات و روایاتی که در این زمینه وارد شده، نشانگر اهمیتی است که اسلام به حیات جمعی داده است. در بین اندیشمندان اسلامی، فارابی معتقد است، انسان از انواعی است که تأمین ضروریات زندگی و نیز رسیدن به بهترین حالات روحی برای او جز از راه پدید آمدن جامعه امکان‌پذیر نیست (فارابی، سیاست‌المدینه، به نقل از دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۶۸). ابن‌سینا نیز انسان را مدنی‌الطبع می‌داند. وی هدف تربیت را اصالت دادن به رشد عقل نظری و تأکید بر بُعد اجتماعی آن می‌داند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۲۷۲-۲۷۳).

غزالی انسان را موجودی مدنی‌الطبع می‌داند که برای رسیدن به کمال ناگزیر از معاشرت با دیگران است (همان، ص ۲۷۴). ابن‌مسکویه منشأ اجتماعی بودن انسان را، ضرورت‌های زیستی و نیازهای دیگر افراد به یکدیگر در راه تکامل می‌داند و نیاز به تربیت اجتماعی را نیز در زمره این نیازها به حساب می‌آورد (ابن مسکویه، تهذیب‌الاخلاق و تطهیر‌الاعراق). خواجه‌نصیرالدین طوسی و برخی از اندیشمندان دیگر، گرایش اجتماعی را مشتق از گرایش‌های دیگر نظیر صیانت ذات یا کمال‌جویی می‌دانند؛ به طوری که خواجه در اخلاق ناصری اظهار می‌دارد، جامعه‌گرایی معلول گرایش کمال‌جویی فطری است (طوسی، ۱۳۵۶، ص ۲۵۱).

علامه طباطبایی (ره) معتقد است هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است و خداوند تکامل وی را در زندگی اجتماعی قرار داده، از این روست که اسلام همه احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماعی را تا آخرین حد ممکن در آن دمیده است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۵، صص ۲۱۵-۲۳۷).

موضوع تربیت، در فرهنگ و معارف اسلامی، از منزلت و جایگاهی بس رفیع برخوردار است. بی‌تردید یکی از ابعاد فکری بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، که از بنیادی‌ترین رویکردهای ایشان می‌باشد، مقوله تعلیم و تربیت است که همواره و در همه مراحل زندگی بدان توجه ویژه مبذول نمود و در گونه-

های مختلف تدریس، تدوین نوشته‌ها، تألیفات، سخنرانی‌ها، نامه‌ها و... بر ضرورت و بایستگی طرح آن تأکید و پافشاری فرمود؛ از این رو می‌توان گفت: حضرت امام (ره) پیش از آنکه سیاستمداری قاطع و انقلابی باشد، یا به عنوان مرجعی تام، مرجعیت و زعامت دینی را معنایی تازه بخشد، مربی بزرگ و معلم نمونه بود که توانست با دریافتی عمیق و ژرف از مبانی تعلیم و تربیت الهی، در میدان سخت مجاهده نفس، خود را بیازماید و مراحل سیر و سلوک را با موفقیت پشت سرگذارد، و نیز به تربیت نسلی که بار اصلی انقلاب را بر دوش می‌کشد، همت گمارد.

حضرت امام خمینی (ره) تربیت را هدایت دانسته و آن را وسیله شکوفا شدن فطرت و استعدادهای نهفته انسان تلقی می‌کنند. انسان دارای ابعاد متعدد وجودی است که لازم است با فراهم‌سازی موقعیت‌های تربیتی مناسب، مجموعه استعدادهای وی به رشد رسد. بر این اساس، رسالت تربیتی دانشگاه به پرورش بُعد عقلانی محدود نشده و در کنار اهداف عقلانی، شامل ابعاد دینی - اجتماعی نیز خواهد بود.

در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، کارکرد آموزش و فرهنگ‌پذیری دینی در دانشگاه‌ها و نیز تعهد مراکز آموزش عالی ایران به این کارکردها، در عرصه نظر و عمل، مورد توجه رهبر انقلاب و مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفت؛ به طوری که حضرت امام (ره) در پیام نوروزی ۱۳۵۹ خود، نخستین فرمان عملیاتی انقلاب فرهنگی را صادر کرد. فرمانی که ریشه در آرمان‌ها و مطالبات اسلامی عقیدتی نجبگان و مردم مسلمان ایران داشت و به دنبال آن بحث اسلامی شدن دانشگاه‌ها و نظام آموزشی کشور با جدیت مطرح شد (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۰۷-۲۰۸ و ج ۱۳، ص ۵). تعطیلی دانشگاه‌ها، تشکیل ستاد و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ایجاد معاونت فرهنگی، اجتماعی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز تشکیل اداره امور فرهنگی و فوق برنامه در هر دانشگاه را در راستای این فرمان باید ذکر کرد.

از مکتوبات و اظهارات حضرت امام خمینی (ره) در خصوص تربیت اجتماعی روشن است که معتقدند برای برقراری ارتباطات ضروری با دیگران باید زمینه‌های لازم برای رشد افراد را فراهم آورد تا امکان ایفای نقش‌های اجتماعی برای آنان میسر گردد؛ زیرا بسیاری از فضائل اخلاقی در مناسبات اجتماعی به فعلیت می‌رسند و بدون ایفای نقش اجتماعی نمی‌توان در خصوص تربیت اجتماعی افراد داوری کرد. اجرای نقش اجتماعی و زیستن در جامعه وسیله‌ای برای امتحان کردن ادعای تربیت افراد می‌باشد.

تربیت اجتماعی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) شامل: فراهم کردن زمینه‌های لازم برای رشد فرد در توانایی برقراری ارتباطات ضروری با دیگران، فراگیری نقش‌های اجتماعی و ایفای آن‌ها، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، ارج نهادن بر ارزش‌ها و تلاش برای رشد و شکوفایی آحاد جامعه از طریق مهار درونی می‌باشد.

اسلام مکتبی است که هم اصالت را از آن فرد می‌داند و هم از آن اجتماع، پس می‌توان گفت که از نظر اسلام، هم تربیت فردی و هم تربیت اجتماعی اهمیت دارد. استاد شهید مطهری در کتاب «جامعه و تاریخ» نظر اسلام را مبنی بر اصالت دادن به اجتماع و فرد بیان می‌نماید. به نظر شهید مطهری از آن جهت که فرد اصیل

است، پس تربیت او نیز باید از اصالت برخوردار باشد و چون اجتماع اصیل است، تربیت اجتماعی نیز اصالت می‌یابد.

حضرت امام خمینی (ره) معتقد است که انسان دارای فطرت پاک است و عواملی ممکن است مانع شکوفایی آن گردد که از طریق تربیت می‌توان به رشد و شکوفایی فطرت کمک کرد. امام خمینی (ره) در سخنی خطاب به متولیان تعلیم و تربیت، مسامحه و سهل‌انگاری در این امر را خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌داند و از آنان می‌خواهد که از آن احتراز کنند (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳). ایشان در ترسیم هدف تربیت به دعوت الهی، آدم‌سازی، توجه به خدا و تزکیه اشاره نموده‌اند. مؤسسات آموزشی و از جمله دانشگاه، دارای رسالتی خاص در حوزه انسان‌سازی می‌باشند. آنان باید برای شکوفایی و رهایی فرد از قید و بندها به منظور رسیدن به کمال، زمینه‌های لازم را فراهم آورند. رسالت تربیتی مؤسسات آموزش عالی، تربیت جوانانی آگاه از اهداف اسلام، مطلع از فرهنگ غنی و مستقل اسلامی - ایرانی، متعهد به مصالح کشور بوده و بر این اساس دانشگاه باید در راستای نجات فرد از نادانی، ایجاد زمینه تعالی فرد در جهت تکامل و رسیدن به مقام عبودیت، گام‌های اساسی بردارد (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۳ - ۲۴۴). آموزش و پرورش مهم‌ترین کار یک کشور است. اگر کشوری بخواهد به عزت مادی، به سعادت معنوی، به سیطره سیاسی، به پیشروی علمی، به آبادانی زندگی دنیا و به هر آرزویی دست پیدا کند باید به آموزش و پرورش به عنوان یک کار بنیادی بپردازد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۵/۳).

دانشگاه اسلامی، لازم است موانع سر راه دانشجویان را در مسیر الهی حذف و به او سیر صعودی دهد. بدین ترتیب پس از رشد و تکامل انسان، جامعه‌ای انسانی و الهی که مبتنی بر عدالت، آزادی، رعایت ارزش‌های انسانی، تکامل اجتماعی و بالاخره رسیدن به هدف اساسی، یعنی، امت و واحده است، شکل می‌گیرد. دانشگاه در این راه زمانی موفق خواهد بود که در کنار جنبه‌های آموزشی، به تربیت سایر ابعاد شخصیتی دانشجویان نیز توجه داشته باشد. پژوهش‌های انجام شده پیشین، بیانگر آن است که در مجموعه نظام آموزش عالی کشور، اولویت اساسی با کوشش‌های آموزشی بوده و به موضوع تربیت در بُعد و وسعت متناسب آن توجه نشده است.

در ترسیم رسالت آموزش عالی، حفظ سنت‌های علمی یا آکادمیک، تربیت متخصصان، تربیت عمومی از طریق فراگیری تعالیم عمومی، توسعه میراث فرهنگی، شرکت مؤثر در مراکز پژوهشی و تلاش برای حل مشکلات اجتماعی از طریق علمی باید مورد توجه واقع شود (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ص ۶۲).

رسالت دانشگاه را می‌توان در چهار بخش ذیل دسته‌بندی نمود:

۱) رسالت در رابطه با خود انسان که هدف آن، شناخت و سازندگی خویشتن است؛ البته بر اساس ضوابط مذهب و مکتب به گونه‌ای که حرکتی به سوی رشد و تعالی داشته باشد.

۲) رسالت در رابطه با آفریدگار خود که هدف، عبودیت او و استقامت در راه، به منظور تکمیل خویشتن است.

۳) رسالت در رابطه با انسان‌ها که هدف آن، برخوردی صحیح و سازنده با آنها است؛ به گونه‌ای که حرکت کلی در جهت سیر به سوی هدف پدید آید.

۴) رسالت در رابطه با جهان که هدف آن نیز برخورد سازنده با حیوان و گیاه و جهان به منظور بهره‌وری از آنها برای تکامل خویش است (قائمی، ۱۳۷۱، ص ۱۹).

برای دانشگاه به عنوان مرکزی آموزشی، صرفاً انتقال معلومات هدف نیست؛ لازم است که در زمینه تربیت، گستره‌ای از انواع تربیت‌ها مطرح و مورد بحث واقع شود که تربیت فعال جوانان، تربیت صالح، تربیت همراه با تقوی، تربیت انسانی - اسلامی، تربیت مقدم بر تعلیم و تربیت متناسب با فطرت از جمله اساسی‌ترین زمینه‌های قابل توجه در این زمینه است (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۹۹-۵۰۰).

امام خمینی (ره) به طور پیوسته بر ضرورت شناخت اسلام در دانشگاه، سنگینی مسئولیت تربیت جوانان، در خدمت ملت بودن دانشگاه، محل تربیت بودن دانشگاه، و تقدم تزکیه بر تعلیم در دانشگاه تأکید داشته‌اند. ایشان کوشش در کسب علوم و فنون، علم همراه با ایمان، علم همراه با معنویات، دانش توأم با تهذیب اخلاق، تعلیم مسائل سیاسی به جوانان، نسبت نجات کشور به تربیت جوانان، پرورش صحیح معلمین، استقلال فرهنگی جوانان، ضرورت تربیت جوانان مؤمن، ضرورت تربیت جوانان مبارز، ضرورت تجهیز جوانان به سلاح علم و دین، ضرورت پرورش همراه با آموزش، بی‌فایده‌گی آموزش علمی صرف، و کارآفرینی توسط دانشگاه را به عنوان رسالت‌های بنیادی این دستگاه مورد تأکید قرار داده‌اند.

حضرت امام خمینی (ره) در توصیه‌ها و فرامین خود در خصوص دانشگاه بر زمینه‌های متعددی از جمله؛ انسان‌سازی، قطع وابستگی و استقلال کشور، سعادت ملت‌ها و حفظ انقلاب اسلامی و سازندگی و توسعه تأکید نموده‌اند. ایشان دانشگاه را مهد تربیت دانسته و به کوشش برای درست کردن انسان، ساختن انسان، تعلیم همراه با تربیت انسان، مصون‌سازی کشور به وسیله تربیت انسانی، تربیت مطابق با فطرت الهی، ساختن انسان‌های متعهد، سمت‌وسوی الهی داشتن تربیت و آموزش مدرسه‌ای و دانشگاهی، وابستگی استقلال مملکت به تربیت جوانان، خودباوری و استقلال جامعه در سایه بهبود نظام آموزشی، ضرورت قطع احتیاج از خارج، ضرورت دستیابی به دانشگاه خودکفا و مستقل، لزوم آرامش در دانشگاه‌ها، خروج از وابستگی و رسالت دانشگاه، عدم گرایش به شرق و غرب و رسالت دانشگاه، سررشته همه امور بودن دانشگاه، وابستگی اصلاح و سعادت ملت‌ها به دانشگاه و دفاع از انقلاب با تمام توان توسط دانشگاه‌ها اشاره نموده‌اند.

حضرت امام خمینی (ره) در خصوص تأثیر دانشگاه در سرنوشت کشور به نکات متعددی اشاره نموده‌اند که در این جا برخی از عمده‌ترین زمینه‌های مذکور اشاره شده است؛ به طوری که فرموده‌اند: «ترقی مملکت به دانشگاه است» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۷)؛ صد سال دانشگاه داریم و نیازمند به خارج هستیم (همان، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸)؛ «راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است - اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود» (همان، ج ۱، ص ۳۹۰)؛ فرهنگ استعماری، مانع رشد استعدادها و اگر چنانچه یک دانشگاه صحیح، دانشگاه غیرانگل و مستقل ما داشته باشیم و ایران داشته باشد در آنجا آدم‌های صحیح پیدا می‌شوند (همان، ج ۳، ص ۵۰۵-۵۰۶)؛ «اسلام با دانشگاه‌ها مخالف نیست، با فساد دانشگاه‌ها مخالف

است... با دانشگاه استعماری مخالف است اسلام» (همان، ج ۵، ص ۲۱۶)؛ نزدیکی روحانیت با دانشگاه (همان، ج ۵، ص ۲۷۷)؛ وحدت بین حوزه و دانشگاه - بزرگترین پیروزی (سخنرانی، ج ۶، ص ۲۱)؛ استقلال کشور در گرو انسان‌های متعهد است (همان، ج ۷، ص ۴۳۲)؛ «اگر یک دانشگاه فضیلت ایجاد کند در جوان‌ها، اگر یک مدرسه جوان‌ها را متعهد بار بیاورد، متدین بار بیاورد این با آن چیزی که آنها می‌خواهند، مخالف است» (همان، ج ۷، ص ۴۴۳)؛ اگر در دبیرستان‌هایی که جوان‌های ما می‌روند تهذیب در کار نباشد، ادب اسلامی در کار نباشد و در دانشگاه اسلامی نباشد رو به زوالیم (همان، ج ۷، ص ۴۶۳)؛ «دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد... اگر انسان ساخته بشود همه چیز به صورت معنویت درمی‌آید» (همان، ج ۸، ص ۶۱)؛ «بسیار اشخاص هستند که دانشمندند... لکن چون تربیت اسلامی ندارند وجودشان گاهی ضرر می‌زند» (همان، ج ۹، ص ۱)؛ «دانشگاه ما باید درست بشود که ما راجع به همه امور خودکفا بشویم» (همان، ج ۱۱، ص ۲۵)؛ «همه قشرها... همه مشغول کار شدند - همه احساس این معنا را می‌کنند که ما باید برای کشورمان یک کاری بکنیم - دانشگاه هم مشغول همین کار است» (همان، ج ۱۲، ص ۱۸)؛ «ما می‌خواهیم یک دانشگاه مستقل درست کنیم و تغییر بنیادی بدهیم که مستقل بشود» (همان، ج ۱۲، ص ۲۵۰)؛ دانشگاهی که در او اخلاق نبوده است در کنار او تهذیب نبوده است. دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است. و دنیا را دانشگاه می‌تواند به صلاح بکشانند (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۳)؛ «ما می‌خواهیم دانشگاهی باشد که برای ملت باشد، برای خودمان باشد، دانشگاهی که در خدمت آمریکا باشد، نبودش بهتر است» (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۴)؛ «کوشش این باشد که ما باید وابسته نباشیم» (همان، ج ۱۳، ص ۵۳۵)؛ «باید دانشگاه و فیضیه و همه آن‌ها که مربوط به دانشگاه‌ها و همه آن‌ها که مربوط به فیضیه هستند در رأس برنامه‌های تحصیلی‌شان، برنامه اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد» (همان، ج ۱۴، ص ۱۶۹)؛ «اگر در دانشگاه بخواهد آرامش نباشد این دانشگاه نمی‌تواند تخصص‌های متخصصین را پذیرا باشد... آرامش دانشگاه‌ها از همه جا لازم‌تر است (همان، ج ۱۴، ص ۲۹۲)؛ «دانشگاه است که اداره امور کشور را می‌کند و دانشگاه است که تربیت نسل آینده و حاضر را می‌کند و چنانچه دانشگاه در اختیار چپاولگرهای شرق و غرب باشد، کشور در اختیار آنهاست» (همان، ج ۱۴، ص ۴۲۶)؛ «همان‌هایی که دانشگاه را مرکز فساد قرار داده بودند و همان‌هایی که قبله آنها غرب یا شرق بود با اصلاح دانشگاه مخالف بودند، آنها خوف این را داشتند که مبدا دانشگاه یک دانشگاه اسلامی بشود» (همان، ج ۱۴، ص ۴۲۸)؛ «آنها می‌خواهند که دانشگاه و فیضیه با هم مرتبط نباشد برای این که این ارتباط موجب اسلامی شدن دانشگاه می‌شود و این ارتباط اسباب این می‌شود که آن بدبینی‌هایی که در طول مدت زیاد بین دانشگاه و طلاب علوم دینی حاصل شده بود از بین برود» (همان، ج ۱۴، ص ۴۲۹).

پژوهش حاضر پس از مطالعه فرامین و توصیه‌های حضرت امام خمینی (ره) به بررسی این سؤال اساسی پرداخته که رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه بر اساس فرامین و توصیه‌های حضرت امام خمینی (ره) چیست؟

روش مطالعه

با عنایت به عنوان و دو سؤال پژوهش، روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل محتوی بوده که طی آن تمامی مکتوبات، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، فرامین، توصیه‌ها و آثار در دسترس و منتشره توسط مراجع رسمی از حضرت امام خمینی (ره) مورد تحلیل محتوی قرار گرفته و سپس مجموعه مصادیق مرتبط با تربیت دینی - اجتماعی استخراج شده است.

جامعه پژوهش

جامعه پژوهش شامل، مجموعه کامل مکتوبات، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، فرامین، توصیه‌ها و آثار در دسترس و منتشر شده توسط مراجع رسمی از حضرت امام (ره) بوده است.

نمونه و روش نمونه‌گیری

به واسطه لزوم جامعیت نمونه، نمونه‌گیری از مجموعه مذکور انجام نشده و کل جامعه مذکور مورد تحلیل محتوی، طبقه‌بندی و مؤلفه‌بندی قرار گرفته است.

ابزار گردآوری داده‌ها

به منظور تحلیل محتوی دقیق دو مجموعه مذکور، از ابزار فرم واریس دو مرحله‌ای باز و بدون پیش‌سازمان‌یافتگی استفاده شده است. روایی ابزار به وسیله تأیید صاحب‌نظران متخصص تأمین شده و پایایی آن نیز به وسیله محاسبه ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل محتوی انجام شده اولیه با تحلیل محتوی انجام شده مجزای دیگر در آن مجموعه (توسط متخصص دیگر)، به دست آمده که برابر با ۰/۸۲ بوده است.

نحوه اجرای ابزار و انجام تحلیل محتوی

در مرحله نخست، کل دو مجموعه مذکور تحلیل محتوی شده و زمینه‌هایی که دارای مضمون تربیت دینی - اجتماعی بوده‌اند، شناسایی و به طور دقیق با ذکر آدرس در فرم تحلیل محتوی ثبت شده‌اند، سپس به منظور دستیابی به مؤلفه‌های تربیت دینی - اجتماعی، زمینه‌های استخراجی مذکور (دارای مضمون تربیت دینی - اجتماعی)، مجدداً بررسی و بنابر فصل مشترک‌های موجود بین آن‌ها طبقه‌بندی شده‌اند تا بدین ترتیب دو دسته مؤلفه‌های مبین رسالت تربیت دینی - اجتماعی از دو منظر مورد بررسی به دست آید.

روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح کمی و کیفی انجام شده است. در تحلیل توصیفی آماری با بهره‌گیری از فراوانی و درصد و همچنین جدول توصیفی به تحلیل داده‌های حاصله پرداخته شده و نهایتاً نیز به تحلیل کیفی داده‌های حاصل پرداخته شده است.

یافته‌ها

سؤال پژوهش عبارت بود از این که «بر اساس فرامین و توصیه‌های حضرت امام خمینی (ره) رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه چیست؟»

به منظور بررسی سؤال مذکور از فرم تحلیل محتوای مجموعه اسناد اعم از مکتوبات، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، فرامین، توصیه‌ها و آثار در دسترس و منتشر شده توسط مراجع رسمی حضرت امام (ره) در خصوص رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه استفاده گردیده است.

با عنایت به مجموع تحلیل‌های محتوایی انجام شده در همه آثار منتشر شده توسط مراجع رسمی از حضرت امام خمینی (ره) مشخص گردید که از مجموع عبارات ذکر شده توسط حضرت امام خمینی (ره) در خصوص دانشگاه، هفتاد و نه مرتبه آن‌ها در خصوص اقسام و اشکال متعدد رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه بوده که پس از طبقه‌بندی بر اساس فصول مشترک، نهایتاً بیست و شش مؤلفه رسالت تربیت دینی - اجتماعی از بیانات امام خمینی به دست آمده است که در جدول شماره یک بر اساس میزان فراوانی رتبه‌بندی شده است.

چنانچه ملاحظه می‌شود در مجموعه مستندات باقی مانده از حضرت امام خمینی (ره) در خصوص رسالت تربیت دینی - اجتماعی، به زمینه‌هایی چون: تلاش دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی مؤثر در استقلال، وحدت، انسجام و توسعه کشور، تقدم‌بخشی به رشد تزکیه و تهذیب بر تعلیم و آموزش، تلاش عملی برای رشد احساس تعهد دانشجویان نسبت به ارزش‌های دینی و انقلابی، تلاش دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی خلاق، خود رهبر، خودمدیر و خودفراگیر و تلاش دانشگاه در اشاعه و تحکیم فرهنگ احترام به دانایان، عالمان و اندیشمندان اشاره نمود.

جدول شماره ۱. فراوانی و درصدسنجی مؤلفه‌های رسالت تربیت دینی - اجتماعی تفکیک و طبقه‌بندی

شده دانشگاه بر اساس فرامین و توصیه‌های حضرت امام خمینی (ره)

ردیف	عبارات رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه بر اساس فرامین و توصیه‌های حضرت امام خمینی (ره)	فراوانی	درصد
۱	تلاش دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی مؤثر در استقلال، وحدت، انسجام و توسعه کشور	۹	۱۱/۳۹
۲	تقدم‌بخشی به رشد تزکیه و تهذیب بر تعلیم و آموزش	۷	۸/۸۶
۳	تلاش عملی برای رشد احساس تعهد دانشجویان نسبت به ارزش‌های دینی و انقلابی	۷	۸/۸۶
۴	تلاش دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی خلاق، خود رهبر، خودمدیر و خودفراگیر	۷	۸/۸۶
۵	تلاش دانشگاه در اشاعه و تحکیم فرهنگ احترام به دانایان، عالمان و اندیشمندان	۵	۶/۳۲
۶	تلاش دانشگاه در تربیت نیروی انسانی متخصص در رشته‌های مختلف مورد نیاز جامعه	۴	۵/۰۶
۷	تلاش دانشگاه برای تحکیم، تثبیت و تعمیق هویت دینی، ملی و انسانی دانشجویان	۴	۵/۰۶
۸	تلاش برای تربیت دانشجویانی مشارکت‌جو و فعال در عرصه‌های جامعه	۴	۵/۰۶
۹	زمینه‌سازی عملی برای تزکیه نفس دانشجویان، اطاعت اوامر الهی و بندگی حقیقی	۳	۳/۷۹
۱۰	تلاش برای تربیت عملی انسان‌هایی عامل به واجبات و فروغ دین	۳	۳/۷۹

۳/۷۹	۳	تلاش برای تعمیق شناخت سنت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی اسلامی	۱۱
۳/۷۹	۳	تلاش برای تربیت دانشجویانی شجاع و مطمئن به منظور حضور در صحنه‌های اجتماعی	۱۲
۳/۷۹	۳	تلاش برای تربیت دانشجویانی آگاه نسبت به روند تاریخی انقلاب اسلامی	۱۳
۲/۵۳	۲	تربیت دانشجویانی عدالت‌خواه، حق‌جو، حق‌گو، حق‌خواه و مقاوم در برابر ظلم	۱۴
۲/۵۳	۲	پذیرش و توسعه بینش وسیله بودن علم برای درک و دریافت بینش توحیدی	۱۵
۲/۵۳	۲	تلاش برای احیاء جایگاه حقیقی نماز در دانشگاه و بین دانشجویان	۱۶
۱/۲۶	۱	تلاش عملی برای ارتقاء اخلاق اسلامی طبق سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین	۱۷
۱/۲۶	۱	تلاش برای رشد گرایش دانشجویان نسبت به قرآن (قرائت، حفظ، تفسیر، تفکر)	۱۸
۱/۲۶	۱	اهتمام دانشگاه به تربیت دانشجویانی اسوه و الگو در زمینه‌های اعتقادی و اجتماعی	۱۹
۱/۲۶	۱	تلاش برای نهادینه‌سازی فرهنگ احترام قائل شدن برای انسانیت	۲۰
۱/۲۶	۱	تلاش برای تربیت دانشجویانی ایثارگر و مسئولیت‌پذیر	۲۱
۱/۲۶	۱	تلاش برای ارتقاء درک دانشجویان از شرایط سیاسی و اجتماعی ملی و بین‌المللی	۲۲
۱/۲۶	۱	تلاش دانشگاه در جهت تحکیم و توسعه ارزش‌های دفاع مقدس در بین دانشجویان	۲۳
۱/۲۶	۱	تلاش دانشگاه در آگاهی دانشجویان از جریان‌های سیاسی و مشارکت در امور سیاسی	۲۴
۱/۲۶	۱	تلاش دانشگاه در تربیت دانشجویانی قانونمند، قانون‌گرا و خودنظم‌بخش	۲۵
۱/۲۶	۱	تلاش دانشگاه برای نهادینه‌سازی آزادی فکر، تحقیق، نقد و بررسی آراء مختلف	۲۶
۱۰۰	۷۹	مجموع	

امام خمینی (ره) در تبیین دیدگاه خود در خصوص رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه به زمینه‌های دیگری اشاره و این امور را نیز به عنوان وجوه قابل توجه دیگری از رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه مورد توجه قرار داده‌اند :

- تلاش دانشگاه در تربیت نیروی انسانی متخصص در رشته‌های مختلف مورد نیاز جامعه.
- تلاش دانشگاه برای تحکیم، تثبیت و تعمیق هویت دینی، ملی و انسانی دانشجویان.
- تلاش برای تربیت دانشجویانی مشارکت‌جو و فعال در عرصه‌های جامعه.
- زمینه‌سازی عملی برای تزکیه نفس دانشجویان، اطاعت اوامر الهی و بندگی حقیقی.
- تلاش برای تربیت عملی انسان‌هایی عامل به واجبات و فروع دین.
- تلاش برای تعمیق شناخت سنت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی اسلامی.
- تلاش برای تربیت دانشجویانی شجاع و مطمئن به منظور حضور در صحنه‌های اجتماعی.
- تلاش برای تربیت دانشجویانی آگاه نسبت به روند تاریخی انقلاب اسلامی.
- تربیت دانشجویانی عدالت‌خواه، حق‌جو، حق‌گو، حق‌خواه و مقاوم در برابر ظلم.
- پذیرش و توسعه بینش.
- وسیله بودن علم برای درک و دریافت بینش توحیدی.

- تلاش برای احیاء جایگاه حقیقی نماز در دانشگاه و بین دانشجویان.
- تلاش عملی برای ارتقاء اخلاق اسلامی طبق سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین.
- تلاش برای رشد گرایش دانشجویان نسبت به قرآن (قرائت، حفظ، تفسیر، تفکر).
- اهتمام دانشگاه به تربیت دانشجویانی اسوه و الگو در زمینه‌های اعتقادی و اجتماعی.
- تلاش برای نهادینه‌سازی فرهنگ.
- احترام قائل شدن برای انسانیت،
- تلاش برای تربیت دانشجویانی اینارگر و مسئولیت‌پذیر.
- تلاش برای ارتقاء درک دانشجویان از شرایط سیاسی و اجتماعی ملی و بین‌المللی.
- تلاش دانشگاه در جهت تحکیم و توسعه ارزش‌های دفاع مقدس در بین دانشجویان.
- تلاش دانشگاه در آگاهی دانشجویان از جریان‌های سیاسی و مشارکت در امور سیاسی.
- تلاش دانشگاه در تربیت دانشجویانی قانونمند، قانون‌گرا و خودنظم‌بخش.
- تلاش دانشگاه برای نهادینه‌سازی آزادی فکر، تحقیق، نقد و بررسی آراء مختلف برای دانشگاه.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از بررسی سؤال پژوهش، مبین آن است که بر اساس فرامین و توصیه‌های حضرت امام خمینی (ره) مؤلفه‌هایی چون: «تلاش دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی مؤثر در استقلال، وحدت، انسجام و توسعه کشور»، «تقدم‌بخشی به رشد تزکیه و تهذیب بر تعلیم و آموزش»، «تلاش عملی برای رشد احساس تعهد دانشجویان نسبت به ارزش‌های دینی و انقلابی»، «تلاش دانشگاه برای تربیت انسان‌هایی خلاق، خودرهب، خودمدیر و خودفراگیر»، «تلاش دانشگاه در اشاعه و تحکیم فرهنگ احترام به دانایان، عالمان و اندیشمندان»، «تلاش دانشگاه در تربیت نیروی انسانی متخصص در رشته‌های مختلف مورد نیاز جامعه»، «تلاش دانشگاه برای تحکیم، تثبیت و تعمیق هویت دینی، ملی و انسانی دانشجویان»، «تلاش برای تربیت دانشجویانی مشارکت‌جو و فعال در عرصه‌های جامعه»، «زمینه‌سازی عملی برای تزکیه نفس دانشجویان، اطاعت اوامر الهی و بندگی حقیقی»، «تلاش برای تربیت عملی انسان‌هایی عامل به واجبات و فروع دین»، «تلاش برای تعمیق شناخت سنت‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی اسلامی»، «تلاش برای تربیت دانشجویانی شجاع و مطمئن به منظور حضور در صحنه‌های اجتماعی» و «تلاش برای تربیت دانشجویانی آگاه نسبت به روند تاریخی انقلاب اسلامی» از مهم‌ترین مؤلفه‌های رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه‌ها از منظر معظم له بوده است.

پیشنادهای عملی

۱- از آن‌جا که تحقق رسالت تربیت دینی - اجتماعی دانشگاه، مستلزم فعالیتی بین‌بخشی بوده و نمی‌تواند متولی خاصی در دانشگاه‌ها عهده‌دار این امر تلقی شود، لذا ایجاد هماهنگی و هم‌نوایی هرچه بیشتر در مجموعه دانشگاه‌ها اعم از ریاست، معاونین، روسای دانشکده، گروه‌های آموزشی، اعضاء هیأت علمی و

دانشجویان، شرط اساسی این امر بوده و لازم است مجموعه دانشگاه با محوریت معاونت فرهنگی در این راستا به طور متحد و با مسئولیت همگانی تلاش نمایند.

۲- اساسی‌ترین وظیفه معاونت فرهنگی و یا هر تشکل سازمان‌یافته دیگر در این زمینه، طراحی نظام جامع تربیتی دانشگاه، مدیریت، پشتیبانی، هماهنگی اجرائی و ارزشیابی مداوم آن است. در واقع این ساختار، مسئول طراحی، تدوین و استقرار نظامی است که طی آن سیاستگذاری، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های تربیتی به طور مداوم و پیوسته انجام شود.

۳- شناسایی نیروهای با صلاحیت دانشگاه در رده‌های هیأت علمی و کارمندان و سوق دادن آنان به سوی برنامه‌های تربیتی در حوزه‌های تربیت دینی و اجتماعی دانشگاه، به تحقق رسالت تربیت دینی و اجتماعی دانشگاه کمک خواهد داد.

۴- تربیت دینی و اجتماعی دانشجویان می‌تواند به‌طور غیرمستقیم از نوع و چگونگی فضای دانشگاه نیز متأثر شود. بنابراین مدیریت دانشگاه‌ها لازم است در راستای برقراری فضای اسلامی در دانشگاه بیش از پیش و در عمق و باطن رفتارها تلاش نمایند.

۵- استفاده از توانمندی‌های اعضای هیأت علمی داخل دانشگاه و به خصوص فرهیختگان اسوه و الگویی که در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها کم نیستند و برگزاری انواع کارگاه‌های آموزشی پیوسته برای آموزش و ارزشیابی عملکرد اعضای هیأت علمی در زمینه ماهیت، اهداف و شیوه‌های تربیت دینی و اجتماعی دانشجویان، از ضروریات اساسی است.

۶- شناسایی نیازها و علایق دینی و اجتماعی دانشجویان، شیوه‌های تربیتی متناسب با خصایص و نیازهای دانشجویان و همچنین تهیه مطالب و بولتن‌های آموزشی به منظور آشنا نمودن اعضای هیأت علمی دانشگاه با شیوه‌های تربیتی دینی و اجتماعی دانشجویان می‌تواند به غنای معلومات و شیوه‌های تدریس و آموزش آنها در راستای تحقق رسالت تربیتی دانشگاه‌ها کمک نماید.

۷- اعضای هیأت علمی با پیوند زدن مباحث علمی با زمینه‌های دینی و اجتماعی در حد ممکن و فراهم‌سازی انواع زمینه‌ها و فرصت‌های عملی مناسب در خلال برنامه درسی و آموزشی و فعالیت‌های عملی دروس مختلف (به تناسب و اقتضاء دروس) می‌توانند به تربیت دینی و اجتماعی دانشجویان و مخاطبان خود و همچنین، تحقق رسالت تربیت دینی و به خصوص اجتماعی دانشگاه کمک دهند.

فهرست منابع

۱. احمدی، سید احمد (۱۳۷۴). *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*، جهاد دانشگاهی، نشریه ۲۹۸.
۲. احمدی، علی اصغر (۱۳۷۲). *روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳. ایمانی، محسن (۱۳۶۸). *تربیت عقلانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، چاپ نشده.
۴. حاجتی، محمد باقر (۱۳۶۸). *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران، نشر فرهنگ.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲). *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی*، جلد اول، فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۶. شریعتمداری، علی (۱۳۷۴). *رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی*، تهران، سمت.
۷. *صحیفه امام*، جلد ۱ تا ۲۲، تهران، (۱۳۸۵)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. *صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۹. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۵۶). *اخلاص ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، تهران.
۱۰. امید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۳). *جهاد از دیدگاه امام علی علیه السلام*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی
۱۱. قائمی، علی (۱۳۷۱). *شناخت و هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان*، تهران، انتشارات امید
۱۲. *قرآن کریم*، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، چاپ دارالقران الکریم دفتر مطالعات و تاریخ و معارف اسلامی
۱۳. قطب، محمد (۱۳۶۲). *روش تربیتی اسلام*، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، تهران، انتشارات مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۲.
۱۴. مایکل، پترسون و دیگران (۱۳۷۷). *«عقل و اعتقاد دینی»* ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو.